

درک ذهنی از مفهوم جنسیت در فضای زنانه

موضوع مربوط به جنس، جنسیت و نظا رفتار جنسی عمری به اندازه تاریخ زندگی جمعی بشر دارد، اما مطالعات مربوط به این سه مفهوم به دهه ۱۹۵۰ به بعد برمیگردد.

مفهوم سکس (sex) ظاهراً به تفاوت های زیستی اشاره دارد، جنسیت (gender) به تفاوت های فرهنگی و پدیدار شناسانه و سکسوالیته (sexuality) یا نظام رفتار جنسی به تفاوت های مربوط به کنش ها و واکنش های حوزه رفتار جنسی بر میگردد. در تعریفی که از این سه مفهوم ارایه شده، هر کدام از آن سه مفهوم در یک شق دو تایی به کار برده می شود مثل؛ زن/مرد، زنانگی/ مردانگی؛ زنی/ مردی. اما نکته این هست که آیا در واقعیت جهان اجتماعی و زندگی جمعی ما یا با زن یا با مرد، مطلق زنانگی و مردانگی و... مواجهه هستیم.

در واقعیت جهان اجتماعی که برگر و لاکمن از آن یاد می کنند این مفاهیم سه گانه چگونه به تجربه افراد در می آید؟ آیا ما جمعی در تجربه فردی مان، این سه مفهوم را در همین صورت دو وجهی درک می کنیم و اساساً فکر کردن در این منطق دو تایی چه ارزیابی را از دو طرف معادله برای مان ایجاد می کند؟

جدای از این بحث که آیا در جهان واقعیت اجتماعی این سه مفهوم در همین شق دو تایی وجود دارد یا کیفیت وجود آن به گونه ی دیگری ست، بحث مقدماتی تر دیگری این میان مطرح که وقتی این سه مفهوم در غالب تقابل های دو تایی فهم می شود، همواره یک جنسی در تقابل با دیگری تعریف می شود، یک وجهی دیگری و مقابل قرار می گیرد.

آنچه در این گفتار قرار است مورد بررسی قرار گیرد، دیگری واقع شدن جنس زن، بدن زنانه و هویت زنانه و کنش جنسی زنانه ست و از آنجا که در ابتدای بحث به فهم ما از این مفاهیم اشاره شد، قصدمان این است که این فهم از وجه زن در دو تایی زن/مرد، زنانگی/مردانگی و زنی/مردی را در بستر فضای زنانه مورد بررسی قرار دهیم.

فضای زنانه ای که این بررسی در آن صورت گرفته ست، فضای خوابگاه های دانشجویی در دانشگاه های تهران ست.